

طریقت یسویه و نقش آن در گسترش اسلام در آسیای مرکزی

مهدی سنایی^۱

خواجه احمد یسوی از شخصیت معنوی قابل توجهی در میان بخشی از مردمان آسیای مرکزی برخوردار است و قزاقستان در راستای بازسازی هویت ملی خویش توجه جدی به خواجه احمد یسوی، شهر ترکستان و عوامل معنوی موجود در این دو نموده است. در سال آینده (۱۳۷۷) نیز جشن هزاروپانصدمین سال بنای شهر ترکستان برگزار خواهد شد.

خواجه احمد یسوی شخصیتی است بزرگ و صاحب طریقت که آثار معنوی فراوانی بر اقوام مختلف آسیای مرکزی بجای گذاشته است. وی که فریدالدین عطار در منطق الطیر از او به عنوان پیر ترکستان^۲ یاد کرده است، از بزرگان تصوف در میان اقوام آسیای مرکزی به شمار می آید. «یسویه» آیین و طریقت منتسب به خواجه احمد یسوی، یکی از فرقه‌های تصوف در منطقه است که نقش بسزایی در تشکیل مذهبی اقوام منطقه ایفا نموده است.

۱. مهدی سنایی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان است.

گفت من دو چیز دارم دوست‌تر
وین دگر یک نیست جز فرزند من
اسب می‌بخشم به شکر این خیر
دو بت انسدر دیده جان عزیز
دم مزن از پاک‌بازی پیش جمع
کسار خود تا بنگرد برهم زند
هم در آن ساعت قفای آن خورد

داد از خود پسر ترکستان خیر
آن یکی اسبست ابلق گام زن
گر خیر یابم به مرگ این پسر
زانکه می‌بینم که هستند این دو چیز
تانسوزی و نسازی همچو شمع
هرکه او در پاک‌بازی دم زند
پاک بازی کوبه شهرت نان خورد

باید در نظر داشت که طریقه‌های عرفان و تصوف یکی از عوامل اصلی حفظ و گسترش اسلام در مناطق مختلف آسیای مرکزی بوده است. تنها از این رهگذر می‌توان چگونگی حفظ سنن و باورهای دینی را در میان بخش عظیمی از مسلمانان این منطقه طی هفتاد سال حکومت بلشویکها بررسی و تحلیل کرد.

در خطه آسیای مرکزی طی قرون متمادی، فرقه‌های مختلفی از تصوف، تحت نامهای نقشبندیه، کبرویه، قادریه و یسویه گسترش یافته است. از دیدگاه مستشرقان، پیروان فرقه‌های مختلف تصوف به عنوان مظاهر «اسلام غیررسمی» نقش عمده را در حفظ سنتهای اسلامی به‌عنوان بخشی از زندگی روزمره مردمان این مناطق داشته‌اند. روحانیون صوفی طی این مدت مجریان اصلی اسلام غیررسمی و هدایتگران مردم بوده‌اند.

اگرچه گرویدن به دین مبین اسلام در مناطق مختلف آسیای مرکزی به دوره‌های متفاوت تاریخ برمی‌گردد، به‌طوری که در برخی مناطق به قرون اولیه پس از هجرت و در برخی دیگر به قرون هیجده و نوزده میلادی (مانند بخشی از قزاقستان) برمی‌گردد اما سنن و رسومات در این مناطق بوضوح متأثر از اسلام است. طی دوران حکومت عباسیان، ماوراءالنهر یکی از مراکز تمدن اسلامی به حساب می‌آمد و دانشمندان که از این خطه برخاسته‌اند آثار فراوانی بر تمدن و علوم اسلامی برجای گذاشته‌اند.

از اواسط قرن شانزدهم میلادی و با سقوط حکومت «قازان» بتدریج آسیای مرکزی تحت سلطه و نفوذ روسیه مرکزی درآمد. با این حال تا اوایل قرن بیستم هنوز فعالیت‌های دینی به صورت گسترده‌ای جریان داشت. تنها با استقرار حکومت کمونیستی و از اوایل قرن بیستم روند اسلام ستیزی و تخریب مساجد آغاز شد.

مقاومت جدی مسلمانان در مقابل روند رشد نهضت‌های اسلامی در برخی نقاط آسیای مرکزی و قفقاز موجب شد که دولتمردان بلشویک برای تحت کنترل درآوردن جریان اسلام در جماهیرشوروی به نوعی این جریان را در چهارچوب رسمی درآورند.

بر این اساس و با یک برنامه دیکته شده از سوی دولت، پنج اداره قاضیات در سراسر شوروی برای عهده‌داری وظیفه اداره امور مسلمانان تأسیس شد. یکی از این پنج مرکز، اداره قاضیات آسیای مرکزی و قزاقستان بود که در تاشکند، پایتخت ازبکستان استقرار یافت و دو مدرسه میرعرب و امام بخاری را برای تربیت طلاب ایجاد کرد.

در واقع با آغاز حکومت بلشویکها، جریان اسلام که تا پیش از این ساختار اجتماعی جوامع مسلمان را در این مناطق تحت تأثیر قرار می داد و در ضمن آن ساختارهای کوچکتر درونی اما پُر قدرت عرفان و تصوف جریان داشت، ناگهان تبدیل به دو جریان اسلام رسمی و اسلام غیررسمی شد. اسلام رسمی در اداره‌های قاضیات جریان داشت، حکومت پسند بود و چندان تأثیر عمیقی نیز در جامعه نمی گذاشت و اسلام غیررسمی در چارچوب ساختارهای طریقت و تصوف جریان داشت که در واقع همان اسلام عمیقی بود که نمی توانست در چارچوب یک حکومت کمونیستی ادامه حیات دهد و مردم را به نوعی مقابله درون قومی و حفظ اصالت و آداب اسلامی دعوت می نمود.

باید توجه داشت که نمی توان نقش ادارات قاضیات و روحانیون رسمی را به کلی انکار کرد و رسمیت یافتن جریان اسلام، خود محمل خوبی برای مردم و روحانیون غیررسمی برای استفاده از فرصتهای موجود بوده است.

در عین حال این طریقتها و فرقه‌های تصوف بودند که بار اصلی حفظ و گسترش اسلام را در میان مردم به عهده داشتند و هیچ‌گاه اجازه ندادند حلقه‌های ارادت میان شیوخ و شاگردان و مریدان گسسته شود.^(۱)

وجود فرهنگ روسی در این مناطق، ابتدا در همسایگی و بعدها در داخل جوامع مسلمان به عنوان یک عنصر مهاجم موجب شده است که دسته‌های طریقت و فرقه‌های تصوف در این مناطق، چهره‌های کاملاً مثبتی از خود نشان دهند و عاملی باشند برای حفظ سنن و آداب اسلامی؛ زیرا جز از طریق حلقه‌های ارادت امکان مقاومت در مقابل فرهنگ قوی و مهاجم وجود نداشت.

در واقع اسلام رسمی در شوروی عبارت بود از پنج اداره قاضیات با چندین مدرسه تحت اداره آنان و کتابهایی که در این مراکز به چاپ می رسید و روحانیونی که تربیت می یافتند. این جریان اگرچه در همین حد نیز مطلوب بوده اما عملکرد آن هماهنگ با دولت بلشویکها بوده است.

اما اسلام غیررسمی عبارت بود از: وجود روحیات مذهبی خودجوش در میان مردم، فعالیت‌های روحانیونی که از نظر مراکز مذهبی رسمیت نداشتند، حفظ ارتباط و علقه با

مقدسات اسلام و نهایتاً حفظ اسلام در چارچوب سنن و آداب قومی. در همین راستا طریقت‌های عرفان و تصوف مهمترین چارچوب برای تداوم سنن و حفظ اصل دین در میان مردم بوده‌اند و به صورت غیررسمی شیوه زندگی اجتماعی را بخصوص در مناطق دور از شهرهای بزرگ شکل می‌دادند.^(۲)

با ذکر این مقدمه به این نکته اشاره می‌کنیم که یکی از بزرگان طریقت و تصوف که مناطق گسترده‌ای از آسیای مرکزی را تحت تأثیر خویش قرار داده است، خواجه احمد یسوی است.

تاریخ تولد احمد یسوی حدوداً به اواسط قرن پنجم برمی‌گردد. در دائرةالمعارف بزرگ شوروی تاریخ تولد وی حدوداً ۱۱۰۵ میلادی (۴۸۲ هجری شمسی) ذکر شده است. وی در شهرک «سمیرم» واقع در شرق شهر چیمکنت (مرکز فعلی استان جنوبی قزاقستان) چشم به جهان گشود و پس از چندی به شهر «یسه» مهاجرت کرد و در حلقه صوفیان وارد شد و به چله‌تیشینی پرداخت.^(۳)

اسناد و مدارک قطعی در مورد هویت و شخصیت تاریخی احمد یسوی بسیار اندک است. با این حال تأثیر بسزایی که وی بر مردم منطقه گذاشته، بسیاری از محققان را بر این داشته است که تحقیقات مختلفی را در این زمینه آغاز کنند.

یسه که بعدها ترکستان نام گرفت و هم‌اکنون نیز با این نام شناخته می‌شود یکی از مراکز فعال دینی در عصر یسوی بود. این شهر که در افسانه‌ها به عنوان پایتخت اوغوزخان شناخته شده، یکی از مراکز تصوف اسلامی در ماوراءالنهر بوده است. در ترکستان آن زمان طریقتی تحت شیخوخیت شخصی به نام ارسلان بابا و یا شیخ بابااصلان در جریان بود. احمد پس از گذشت چند سال از تحصیلات ابتدایی، ترکستان را ترک گفته و عازم بخارا شد. بخارا که تحت حاکمیت سلجوقیان قرار داشت بزرگترین مرکز اسلامی در ماوراءالنهر محسوب می‌شد و مملو از هزاران طلبه‌ای بود که از اطراف و اکناف وارد این شهر شده بودند.

احمد یسوی که به دلیل منسوب بودن به سلسله خواجهگان، خواجه احمد یسوی نامیده شده است از شاگردان شیخ یوسف همدانی است و به همین دلیل ادامه‌دهنده سلسله تصوف ایرانی است. باید توجه داشت که از قرن چهارم هجری (یازدهم م.) اندیشه تصوف که

محصول تفکر عرفای ایران و خراسان بود، به عقاید مسلمانان آسیای مرکزی راه یافت. این اندیشه که در اواخر قرن سوم هجری (دهم میلادی) در خراسان به شکلی سازمان یافته و به عنوان فرقه صوفیه نمایان شد در شکل گسترده و منسجم خود ترکیبی عرفانی بود از عقاید نوافلاطونی و گنوسیسم که قصد داشت پیام درونی و سیر نهفته در قرآن را بازگوید.

در اواسط قرن پنجم هجری، خواجه یوسف همدانی (نام کاملش: ابوعلی یعقوب بن یوسف البزینجردی الهمدانی) سردمدار تصوف در آسیای مرکزی بوده است. خواجه احمد پس از چند سال تحصیل در مکتب «ارسلان بابا» در بخارا نزد خواجه یوسف به تلمذ پرداخت. در این زمان شاگردان فراوانی نزد خواجه یوسف همدانی تلمذ می‌کردند که از جمله آنها شیخ عبدالقادر گیلانی بود که وی نیز فرقه معروف دیگری را تأسیس کرد. از دیدگاه «بارتولد»^(۴) خواجه یوسف مرام درویشی را در آسیای مرکزی گسترش داد و شاگردان وی نقش مهمی در گسترش اسلام در میان ترکها ایفا کردند.

یوسف همدانی، الهیات را در بغداد آموخت و سپس ساکن مرو شد و در آنجا تحت رهبری شیخ ابوعلی فریومدی طریقت صوفیه را اختیار کرد. براساس روایات، وی ده هزار مرتبه قرآن را ختم کرده است و سی و هفت مرتبه مراسم حج را بجا آورده است.

یوسف همدانی در سال ۱۱۴۰ م. وفات یافت و پیش از مرگ، چهار شیخ بزرگ را به عنوان جانشین خود معرفی کرد:

۱. ابو محمد بخارایی؛
۲. خواجه احمد یسوی؛
۳. عبدالخالق قیروانی؛
۴. عبدالله براقی.

این چهار تن از شاگردان برجسته شیخ بودند که همگی تا هنگام وفات نزد وی تلمذ می‌کردند. به این ترتیب خواجه احمد مقام شیخ خود را به دست آورد و به شهر یسه برگشت و تبلیغاتی گسترده در مورد طریقت خویش آغاز کرد. وی در ترکستان طریقتی خاص بنا نهاد و در میان قزاقها و قرقیزهای استپ‌نشین، مقامی ویژه یافت. درویشان حلقه خواجه احمد تعلیمات استاد را در تمام خطه ترکستان و تا اقصا نقاط ولگا، قفقاز و آسیای صغیر

گسترش دادند. تعلیمات خاص خواجه احمد هم اکنون به عنوان «یسویه» شناخته شده است. یسویه ابتدا در سواحل سیحون، جوار تاشکند و ترکستان شرقی بشدت نفوذ یافت و بعدها با نیرو گرفتن از زبان و فرهنگ ترک، در منطقه ماوراءالنهر، خوارزم و بعدها به استپها و منطقه بلغار گسترش یافت. یسویه با اینکه چنان گسترش یافت که در قرن ۱۳ (۶ هجری) وارد آناتولی شد اما ظهور و پیشرفت فرقه نقشبندیه در قرن هشتم هجری (۱۵ میلادی) از نقش آن کاست ولی نهایتاً خللی در شهرت وی در میان ترکها پدید نیامد. از سویی نقشبندیه نیز با رهبری امام بهاءالدین نقشبند برای تحت نفوذ درآوردن ترکهای منطقه با طریقت یسوی روایطی ایجاد کرد.

از دیدگاه برخی مورخان، نقشبندیه عکس‌العملی در مقابل یسویه که متأثر از فرهنگ ایران بود تلقی می‌شود. نقشبندیه تلاش کرد که برای ترکها یک چارچوب ایدئولوژیک مستقل نیز ایجاد کند. برخی دیگر از مورخان با توجه به شیوه و زبان تبلیغی که خواجه احمد یسوی برگزیده است (ادبیات عامیانه ترک) خلاف این عقیده را ابراز نموده‌اند.

مهمترین نکته در اندیشه و طریقت یسوی امتزاجی است که میان یک نوع فرهنگ برگرفته از تصوف ایرانی و زبان و شیوه‌ای که در میان اقوام ترک کاربرد داشت صورت گرفته است. به‌رغم آشنایی فراوان با علوم اسلامی و ادبیات ایرانی، یسوی برای تبلیغ افکار خویش در میان اقوام ترک از ادبیات عامیانه ترکها بهره جست.

یسوی برای تبلیغ احکام تصوف به مریدانش با زبانی ساده و قابل فهم با شیوه و نظم مطابق با ادبیات عامیانه ترک اشعاری سرود. این گونه اشعار که بزرگترین اثر خواجه احمد یسوی است «حکمت» نامیده شده است. یسوی در چنین محیطی، ناگزیر از تطبیق خود با آداب و سنن اقوام منطقه بود. حتی در آثار پیروان نقشبندیه مطالبی هست که نشان می‌دهد در مجالس ذکر خواجه احمد یسوی که در ایش گردهم می‌آمدند، زنان و مردان با هم شرکت داشته‌اند.

بسیاری از شعرا بعدها از نوع شعر ساده و عامیانه احمد یسوی تقلید نمودند. تأثیر شعر احمد یسوی در اشعار «حکیم آتا»، «آبای»، «مختوم‌قلی فراغی» و «یونس امره» مشاهده می‌شود. هریک از این افراد و مشاهیر جمهوری‌های ترک‌زبان آسیای مرکزی و صاحب اشعار و آثاری هستند که وردزبان عامه مردم است.

همه افکار و اندیشه‌های خواجه احمد یسوی در قالب اشعاری درآمد که در کتابی به

نام «دیوان حکمت» جمع‌آوری شد. این دیوان قطعاتی مانند پندواندرزهای اخلاقی، توصیه به اجرای دقیق احکام دین، شکایت از وضع دنیا، مدح پیامبر اسلام (ص) و حکایت‌هایی از احوال بهشت و دوزخ را دربر می‌گیرد.^(۵)

حکمت‌های خواجه احمد در میان مردم قزاقستان و برخی نقاط دیگر آسیای مرکزی جایگاه خاص دارد. سالمندان بسیاری این حکمت‌ها را حفظ هستند و برای جوانان به عنوان توصیه‌های اخلاقی ذکر می‌کنند. این حکمت‌ها یک نوع مکالمات شفاهی برای انتقال مفاهیم اسلامی و اخلاقی تلقی می‌شود. مجموع حکمت‌های موجود در کتاب دیوان حکمت، هفتاد قطعه است.

در اینجا دو حکمت از کتاب خواجه احمد یسوی را نقل می‌کنیم:

حکمت ۵۳

ای فرزند مسلمان؛ این سخن من پُراهمیت است
وقت سحرگاه که گل می‌شکفتد و بلبل نغمه سر می‌دهد
از بستر خواب برخیز که تو نیز روزیت را در این لحظه می‌گیری
لذت سحرگاهان را عاشقان می‌دانند. در این هنگام صفات خداوند متجلی می‌شوند
هنگام سحر جهان به بهشت می‌ماند. در این هنگام به درگاه خداوند سپاس بگزار

حکمت ۳۷

محمد سرور هیجده هزار دانشمند بود
محمد سردار سی‌وسه تن صحابه بود
محمد مستمند و گرسنه را استعانت کرد
به امت خویش رحم کرد و شفاعت کرد
محمد شب تا سحر بیدار می‌ماند
بسیاری به نور محمد هدایت یافتند
حتی خطاکاران نیز از فیض محمد بهره جستند^(۶)

برخی از محققان در اینکه در زمان حیات یسوی کتابی تحت عنوان دیوان حکمت از اشعار وی تدوین شده باشد، تردید کرده‌اند و معتقدند آنچه هم‌اکنون تحت عنوان «دیوان

حکمت» به دست ما رسیده است، مجموعه‌ای است از اشعار پیروان و مریدان احمد یسوی که به همان سبک و سیاق سروده شده است. این ادعا از سویی با این نکته مورد تأیید قرار می‌گیرد که هیچ نسخه‌ای از دیوان حکمت که مربوط به پیش از قرن دهم هجری (هفدهم میلادی) باشد، به دست نیامده است.

گوردلوسکی که در سال ۱۹۲۹م. به ترکستان مسافرتی داشته نقل می‌کند که در آنجا شنیده است نسخه‌ای قدیمی از دیوان حکمت که بر روی پوست نوشته شده بود در آرامگاه احمد یسوی وجود داشته اما بعدها مفقود شده است.^(۷) هرچند با اطمینان می‌توان گفت نسخه‌ای از دیوان حکمت متعلق به قبل از قرن دهم هجری (هفتم میلادی) یافت نشده است، اما قرائنی نیز بر وجود این کتاب در زمان احمد یسوی وجود دارد. از جمله اینکه فضل‌الله ابن روزبهان خنجی در کتاب مهمان‌نامه بخارا اشاره می‌کند که کتاب یسوی را در آرامگاهش دیده و مطالعه کرده است. وی اظهار می‌کند که این کتاب اثری است به زبان ترکی و به گونه‌ای صوفیانه. البته صاحب مهمان‌نامه بخارا اشاره‌ای به منظوم بودن آن نکرده و نامی از «دیوان حکمت» نبرده است.

نویسنده مهمان‌نامه بخارا می‌گوید: «از جمله فواید که فیض الهی به فقیر عطا فرمود، یکی آن بود که کتابی از مصنفات حضرت خواجه یسوی قدس‌الله روحه‌العزیز مطالعه کردم و آن به زبان ترکی بود. چندان دقایق علوم و حقایق تصوف درو یافتم که گمان ندارم در مقاصد سلوک و بیان مراتب وصول حقایق، مواجید و ذکر، ترتیب منازل سالکان و مقامات و اصلاص، مثل آن کتابی مرتب شده باشد.^(۸) برخی از طریقت‌شناسان غربی نظیر دامبری، ملیورانسک، مارتین هارتمان و بروکلیمان نیز دیوان حکمت را مربوط به قرن پنجم هجری (قرن دوازده میلادی) می‌دانند. این مورخان معتقدند که ادعای تعلق دیوان حکمت به قرن هفدهم از جانب عده‌ای از محققین تنها به دلیل قلت اطلاعاتشان بوده است.^(۹)

به هر حال چه دیوان حکمت، مجموعه اشعار خود احمد یسوی باشد یا اینکه هیچ‌یک از نسخ آن متعلق به خود یسوی نباشد، تردیدی نیست که سرودن اینگونه اشعار از سوی یسوی آغاز شده و توسط پیروان او گسترش یافته است و از خواندن آنگونه اشعار پی بردن به افکار و اندیشه‌ها و شخصیت خواجه احمد یسوی ممکن می‌شود.

حکمت‌های یسوی از دو عنصر اساسی تشکیل می‌شوند: ابتدا اسلام یعنی عنصر دینی و صوفیانه و دوم عنصر ملی یعنی ادبیات عامیانه باستانی ترکها. عنصر اول ایدئولوژی این طریقت و عنصر دوم شیوه تبلیغ و نوع اشعار خواجه احمد را تحت تأثیر گذاشته است.

همین ویژگی موجب می‌شود که یسویه نخستین طریقت بزرگ در مناطق ترک‌نشین تلقی شود که توسط یک صوفی ترک و در محیطی ترک تأسیس گردیده است.

طریقت یسوی که از فرقه‌های تصوف اهل سنت به حساب می‌آید، تمام سنن و عقاید تسنن را پذیرفته است و اجرای کامل احکام شریعت توسط پیروانش را از شرایط ایمان می‌داند. با این که بسیاری از عقاید یسویه در چارچوب منابع نقشبندیه ذکر شده است، در عین حال چارچوب شناخته شده خاص خویش را دارد.

احکام اساسی طریقت یسوی را معرفت‌الله، مروت، راستگویی، فنا فی‌الله و توکل کامل تشکیل می‌دهد.

در یسویه برای شیخوخیت و مقام رهبری یافتن نیز شرایط خاصی وجود دارد و شیخ باید مراتب علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین، بثوق به ژرفای علم اسلام، صبر و تقرب را طی نموده باشد. آرزوی رسیدن به کمال و ملازمت در ذکر، از واجبات این طریقت است و سنن و مستحبات فراوانی برای مریدان ذکر شده است. اصل اساسی طی طریقت، احترام به شیخ، اعتقاد به وی و تواضع کامل است.

یک عنصر مهم در طی طریقت یسوی «خلوت» است. مدت خلوت چهل روز است و در این مدت همه تکالیف برای مرید ذکر شده است. حتی غذاهایی که باید شخص در این مدت استفاده کند همه با نظارت شیخ تعیین می‌شود. این چهل شبانه روز احکام بسیار مفصل و مراتب و مراحل بسیار متعددی دارد که تفصیل آن در این مقال نمی‌گنجد.

خلوت در این طریقت دو نوع است: یکی خلوت شریعت و دیگری خلوت طریقت. تنها با طی موفقیت‌آمیز «خلوت» اول، امکان راهیابی به مرحله دوم وجود دارد.

خواجه احمد یسوی با وضع قواعدی خاص، حلقه‌های متعددی از مریدان را در گرد خویش ایجاد کرد. چنانکه نقل شده است وی بیش از نود هزار مرید داشته است و شماری از مریدان را پس از طی مراحل به عنوان خلفای خویش به نقاط مختلف اعزام می‌کرده است.

خواجه احمد یسوی بر مریدان و مردم منطقه تأثیر بسیار گذاشته است چنانکه وقایعی در مورد وی نقل شده است که بعضاً جنبه افسانه‌ای دارد. مثلاً گفته شده است وی وقتی به سن ۶۳ سالگی سن پیامبر اسلام (ع) رسید در گوشه چاهی از خانقاه رفت و مدت صدوسی سال در آن گوشه زیست. در طول این مدت کرامتهای فراوانی از وی صادر شده است. این طریقت که موقعیتی عظیم در منطقه یافت، در ظهور و پیدایش طریقت حیدریه در خراسان در قرن ششم هجری (سیزدهم میلادی) مؤثر بوده و همچنین در تأسیس طریقتهای بابایی و تکباشی در نیمه دوم همین قرن در آناتولی نقش داشته است.

مقبره خواجه احمد یسوی پس از مرگ وی زیارتگاه مشتاقانی بوده است که از مناطق مختلف با حاجات و نذر و نیاز راهی ترکستان می شده‌اند. مراسم ویژه‌ای نیز گرد مقبره او برگزار می شده است. از جمله در ایام خاصی در فصل زمستان هزاران نفر گرد این مقبره تجمع می کردند.

صاحب مهمان نامه بخارا در اشاره به جایگاه خواجه احمد یسوی و ملجأ حاجات بودن او در میان مردم چنین گفته است:

ای تو گرفتار غم ناکسی	دست تو و دامن قطب یسی
آنکه سپه دار ره سرمدست	شاه یسی خواجه آقا احمد است
در گه او کعبه حاجات شد	خلوت او جای مناجات شد
خم فلک از بر او جرعه نوش	جوف ملک گشته از او سیزپوش ^(۱۰)

مقبره خواجه احمد یسوی در اواخر قرن هشتم هجری (اواخر قرن چهاردهم میلادی) تقریباً دوست و سی سال بعد از وفات وی به فرمان تیمور و توسط استادان ایرانی مرمت شد. در مورد مرمت این بنا توسط تیمور نیز داستانهایی میان مردم نقل می شود. گفته می شود که پس از اینکه به فرمان تیمور تجدید بنای مقبره خواجه احمد یسوی آغاز شد، این کار چندین بار با مشکل مواجه شد و هربار بنای مقبره پس از قامت برافراشتن به ناگهان ویران می شد تا اینکه شبی تیمور در خواب دید که اگر می خواهد مقبره‌ای مجلل برای خواجه احمد بسازد ابتدا باید ساختمانی بر روی مقبره ارسالان باب اسناد خواجه احمد بنا کند. تیمور این کار را کرد و پس از آن مقبره خواجه احمد یسوی را بنا نمود.^(۱۱)



مقبرهٔ ارسلان باب تقریباً در سی کیلومتری شهر ترکستان و نزدیک به شهر اترا (محل تولد فارابی) است که هم اکنون بازمانده‌های آن شهر باقی است.

هم‌اکنون بر طبق سنت، زائرین ابتدا مقبرهٔ ارسلان باب را زیارت می‌کنند و سپس عازم ترکستان برای زیارت خواجه احمد می‌شوند. حتی بسیاری از زائران یک شب را در ارسلان باب بیتوته می‌کنند و صبحگاهان عازم ترکستان می‌شوند.

ساختمان مقبرهٔ خواجه احمد یسوی را استادان ایرانی به صورت بسیار باشکوهی ساخته‌اند. صاحب مهمان‌نامهٔ بخارا که آنجا را زیارت کرده در این کتاب می‌گوید: «... مسجدی که طاق رفیع او به اوج رسیده و بنای منبع او مردمان را صورت بیت‌الاقصی در دیده کشیده، صفوفش از صفوف معابد عباد یاد می‌دهد و ابوابش بر چهرهٔ آمال عابدان در ثواب می‌گشاید و جامع کبیریسی امروز آن مسجد عالی مسند است.

فضل ابن روزبهان خنجی در ادامه می‌گوید:

از سر صدق نی زبوالهوسی	مسجد خان نگر به شهر یسی
طاق او جفت طاق گردون است	بسکه گردون به نزد او دون است
صحن او همجو سطح طاق فلک	زمزمه اندرو ز ذکر فلک
گر تو گویی که مسجد اقصی است	چون در اقصای عالم است بجاست (۱۲)

نام استادانی که این بنا را ساخته‌اند در جاهای مختلف بنا حک شده است و نسلی از فرزندان این اساتید که از تبریز، اصفهان و شیراز بوده‌اند هم‌اکنون در ترکستان زندگی می‌کنند. این مقبره و مسجد کنار آن از جهت عظمت با مسجد بی‌بی خانم در سمرقند مقایسه شده است. در داخل این زیارتگاه یک دیگ برنزی که شاید مانند آن در جهان انگشت‌شمار باشد ساخته شده و نام یک استاد ایرانی از شهر تبریز به نام اوستا عبدالعزیز شرف‌الدین تبریزی بر آن حک شده است. هم‌اکنون نذورات زائرین در این دیگ بزرگ که بلندای آن بیش از قامت یک انسان متوسط‌القامه است، ریخته می‌شود. جالب است که در فرهنگ ترکها، دیگ مظهر وحدت و مهمان‌نوازی است. قطر این دیگ ۲/۴۵ متر و دارای دو تن وزن است. ریخته‌گری، نقوش گل نیلوفری و حروف عربی که بر روی این دیگ وجود دارد، حکایت از مهارت نادر استاد آن می‌کند.



ساختمان بنای زیارتگاه خواجه احمد یسوی حدود شش قرن در شکل اولیه خود محفوظ مانده و سرمای خشک، خورشید سوزان و بلاهای طبیعی فراوانی چون سیل و زلزله را پشت سر گذاشته است. در حالی که نمای بیرونی آن یک ساختمان واحد به چشم می‌آید اما در واقع به هشت بخش مستقل تقسیم می‌شود. تالار اساسی و اولیه این زیارتگاه که دیگ بزرگ نیز در مرکز آن گذاشته شده، بسیار با عظمت است و در گوشه راست و چپ آن نیز شبستانهایی وجود دارد. ساختمان گنبد اصلی زیارتگاه دارای ۱۸/۲ متر قطر است و از سطح مقبره تا نوک گنبد ۳۷/۵ متر ارتفاع دارد. (۱۳)

مردم منطقه سه بار زیارت خواجه احمد یسوی را معادل یک سفر حج می‌دانند. به همین دلیل زوار با اشتیاق فراوان و نذر و نیاز عازم ترکستان می‌شوند و پس از بازگشت همچون زائرین خانه خدا از آنان پذیرایی به عمل می‌آید.

افراد فراوانی پس از خواجه احمد یسوی خود را منتسب به او دانسته‌اند و از نوادگان وی بر شمرده‌اند. با توجه به اینکه وی دارای یک پسر به نام ابراهیم بوده که در زمان وی فوت کرده است، چنان که شخصی به وی منتسب باشد، قاعدتاً این نسبت را از طریق دختر وی به نام «گوهر شهناز» گرفته است. تا سالهای اخیر عده فراوانی نه تنها در ترکستان که در سرزمینهای قلمرو عثمانی نظیر ذکریا سمرقندی، شاعر عطا اهل اسکوپ (قرن شانزدهم میلادی)، اولیا جلیبی (قرن هفدهم) و خواجه حافظ یسوی نقشبندی (قرن هفدهم م.) ادعا کرده‌اند که منسوب به خانواده خواجه احمد یسوی هستند.

پس از استقلال قزاقستان، در سالهای اخیر به خواجه احمد یسوی و به شهر ترکستان اهمیت زیاد داده شده است. شهر ترکستان به عنوان پایتخت معنوی قزاقستان تلقی می‌شود و در تابستان سال آینده، هزار و پانصدمین سالگرد وجود یافتن این شهر را دولت و مردم قزاقستان جشن خواهند گرفت.

برای قزاقستان کنونی، هم ترکستان و هم خواجه احمد یسوی بسیار حائز اهمیت است و در واقع بخش جنوبی قزاقستان و حوالی ترکستان است که در خود امکان و آثار تاریخی با قدمت فراوان را جا داده است و تاریخ مکتوب پیش از قرن بیستم این کشور را باید در همین مناطق کاوش کرد.

خواجه احمد یسوی برای قزاقستان وسیله خودشناسی ملی و اسلامی است که هم قزاقستان را از فرهنگ روس منفک می‌کند و هم سدی است برای نفوذ سایر طریقتها و جریانهایی که در ماوراءالنهر، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان وجود دارد.

از جانب دولت قزاقستان به شهر ترکستان توجه ویژه‌ای شده است و از سویی ترکیه نیز آن را به‌عنوان یکی از مراکز قدیمی ترکها مطرح کرده است. هم‌اکنون با آنکه ترکستان روستایی بزرگ بیشتر نیست، ترکیه دانشگاه خواجه احمد یسوی را در کنار مقبره خواجه احمد یسوی ساخته که بتدریج در نوع خود تبدیل به یکی از بی‌نظیرترین دانشگاههای آسیای مرکزی می‌شود. هم‌اکنون استادان متعددی از کشورهای آمریکا، چین، مصر، ایران و پاکستان در این دانشگاه تدریس می‌کنند و از ترکیه بیش از چهارصد دانشجو و چهل استاد در این دانشگاه مشغول تحصیل و تدریس هستند.

مقبره خواجه احمد یسوی که توسط دستان هنرمند اساتید ایرانی بنا شده است، متأسفانه هم‌اکنون توسط سرمایه و استادان ترک در حال مرمت و بازسازی است.

به هر حال از آنجا که خواجه احمد یسوی نقش عظیمی را در تاریخ این منطقه بجای گذاشته است، بدون تردید نقش آن در چالشهای اعتقادی و اجتماعی آینده مردم قزاقستان قابل چشم‌پوشی نخواهد بود. یسویه اگرچه در میان فِرَق تصوف چندین شهرت نیافته و جایگاهی عظیم پیدا نکرده است و با ظهور نقشبندیه، تا حد زیادی تحت‌الشعاع سیطره این فرقه قرار گرفته است، مع‌ذالک دارای نقش اساسی در حفظ و گسترش اسلام در استپ‌نشینهای قزاقستان و قرقیزستان بوده است.

پراکندگی قوم قزاق، چادرنشین بودن آنان و عدم سکونت دائم و جایجایی در طول و عرض این سرزمین پهناور و به ادعای برخی از مورخین، گسترش اسلام به بخشهای شمالی این سرزمین در قرون اخیر موجب می‌شود که اسلام در قزاقستان کم‌رنگ‌تر از آنچه در ازبکستان و تاجیکستان وجود دارد به نظر آید. اما تردیدی نیست که قزاقها در گذر از بحران هویت ملی خویش پس از فروپاشی شوروی به صورت جدی دست به دامن اسلام زده‌اند و در این مسیر، تکیه‌گاه اصلی، طریقت یسویه و شخص خواجه احمد یسوی است.

یادداشتها

۱. شیخ فریدالدین محمد عطار، منطق الطیر، بهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. ر.ک. به: شیرین آکینر، اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه محمدحسین آریا (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۷).
۳. خواجه احمد یسوی، حکمت، (آلمانی، انتشارات هرر، ۱۹۹۵).
۴. سلیمان باقرخانی، باقرخانی کاتبی شعر لُر و داستان (تاشکند، انتشارات ابروجی ۱۹۹۱).
۵. م. فؤاد کوپرلو، مدخل احمد یسوی، دائرة المعارف اسلام، ج ۱ (استانبول ۱۹۴۰).
۶. خواجه احمد یسوی، همان منبع.
۷. م. فؤاد، کوپرلو، همان منبع.
۸. فضل الله روزبهان خنجی، مهمان نامه بخارا، به اهتمام منوچهر ستوده، (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵).
۹. م. فؤاد، کوپرلو، همان منبع.
۱۰. فضل الله روزبهان خنجی، همان منبع.
۱۱. ترکستان (آلمانی، انتشارات هنر ۱۹۹۳).
۱۲. فضل الله روزبهان خنجی، همان.
۱۳. ترکستان، همان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی